

# ارمان تاریکی



علی رازغ

## راه ۹۰ ساله تحویل گرفتن کتیبه داریوش

ترجمه صحیح  
از وزارت خارجه ایران  
به موسسه شرق شناسی شیکاگو  
با سلام.  
احتراما، به استحضار می‌رساند. ۱۷۰۰۰ قطعه لوح میخی و عیلامی بی‌زبان، جهت ترجمه، برای موسسه شرق شناسی شیکاگو ارسال گردید. لازم به ذکر است موسسه نامبرده، متعهد گردید بعد از ترجمه، الواح به کشور ایران مسترد گردد. با توجه به طولانی شدن روند کار، اگر داریوش صد سال هم حرف زده بود، الان تمام شده بود. خواهشمند است مثل آدم، نسبت به تحویل امانت، اقدام نمایید.

از موسسه شرق شناسی شیکاگو  
به وزارت خارجه ایران  
هلو  
نامه وزارت خارجه محترم واصل و موجبات شرمندگی ایالات متحده آمریکا که تریلی نامشان را نمی‌کشد، فراهم گردید. با عنایت به اینکه نامبرده، درگیر جنگ دوم جهانی بوده و بسیاری از مسائل صلح جهانی را برای کشورهای درگیر، به زبان اسلحه ترجمه می‌نماید، لذا برای ترجمه خط میخی وقت ندارد. مستدعی است در شرایط روحی مساعد، اقدام نمایید.

از وزارت خارجه ایران  
به موسسه شرق شناسی شیکاگو  
هلو نه و hello. همون سلام بگی سنگین تری مراتب شرمندگی کشور نامبرده به وزارت خارجه ابلاغ شد. طبق تصمیم و مشورت، برای کمک به صلح جهانی و کم کردن زحمات ایالات متحده، خواهشمند است، نسبت به تسریع ترجمه اقدام نماید. لازم به ذکر است به احتمال زیاد، داریوش خداباومرز تجربه کشاورزی بیشتری نسبت به آن ایالت نامبرده داشته باشد. ضمنا، جهت کاهش تلفات و فواید انسانی، هیچ وجهی در قبال استفاده از ترجمه اخذ نمی‌شود. اشناختیون.

## از موسسه شرق شناسی شیکاگو به وزارت خارجه

سلام  
لحن شوخ طبع وزارت خارجه به موسسه ابلاغ و برخلاف روحیه پدرا نه آن ایالت، مراتب تذکر خاطر کشور طرف قرارداد فراهم گردید. علی الحساب، خاطره غرامت هفتاد و یک میلیون و پونصد هزار دلاری قربانیان آمریکایی انفجار انتحاری در بیت المقدس، از فروش کتیبه‌ها مرور شود.

## از وزارت خارجه به موسسه شرق شناسی

مراتب پررویی موسسه آخه آدم چی بگه فحش نباشه، به وزارت خارجه اعلام گردید. طبق نظر و مشورت، چند جعبه حاوی سنگ‌های اعلای قزوین، جهت ترجمه خطوط، برای موسسه محترم ارسال می‌گردد. لذا خواهشمند است این محموله در اولویت ترجمه قرار گیرد. ضمنا تاکید می‌شود خطوط موجود بر روی سنگ‌ها بسیار قیمتی بوده و ارزش دبه کردن دارند. به موجب صلاحدید، این محموله از جریمه دیرکرد نیز معاف و تا نود سال، از قابلیت عدم استرداد نیز برخوردار است. فلذا خبرش رو بدید.

پن: بعد از ریاست جمهوری بایدن، به گفتن موسسه، به جای ایالات متحده آمریکا، اکتفا شد.

## از موسسه شرق شناسی شیکاگو به وزارت خارجه ایران

سنگ‌پاهای ارسالی وزارت محترم، دریافت و در فضای کاملا استاندارد، نگهداری گردید. به نظر می‌رسد ایالات متحده باید اطلاعات زیادی در خصوص شهاب‌سنگ‌ها و فضای کیهانی به جهان ارائه کند. با توجه به



روحیات علم‌دوستی که حتی منجر به سرقت علم نیز می‌گردد، جهت تحویل محموله کتیبه‌ها با توجه به گذشت نود سال از قرارداد اولیه، بذارید بعد کرونا.

## از وزارت خارجه به موسسه شرق شناسی شیکاگو

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند، برای سبندی مقابل بهانه‌های آن کشور، جعبه‌ها رو بدید اروپایی‌ها به‌عنوان کشور ثالث بیارن. راستی اونجا مگه کرونا هست؟

## از موسسه شرق شناسی شیکاگو به وزارت خارجه

با عنایت به سرشولگی کشور ثالث به جمع‌آوری جنازه‌های کروناپی، اون بنده‌خداها هم خودشون درگیرن. فلذا تحریم‌های جدید را هم به لیست بهانه‌ها اضافه نماید. ضمنا، جقدر وزارت سیریشی هستین!

## از وزارت خارجه به موسسه شرق شناسی شیکاگو

بدین‌وسیله با عنایت به ضرب‌المثل معروف «شتر در خواب بیند پندیده‌انه»، به اطلاع می‌رساند، جعبه هارو بذارید پشت هواپیما، آقای رئیس‌ی از سازمان ملل اومدن بیارن. ممتنی است یک نسخه از ترجمه‌ها جهت نصب روی سازمان ملل رونوشت و عکس آن ارسال گردد.

پن: عکس‌ها با کیفیت باشه!

## از موسسه شرق شناسی به وزارت خارجه

چشم.



مربی سادات آل ایوب

## سلطان محمد! آسوده بخواب که ما بیداریم

نقل است روزی در اواخر عمر سلطان محمد خوارزمشاه که به شمایل دیروزگان درآمد بود، حکیمی بر بالین وی آمد و در کمال تعجب بدون آنکه بگوید بیماری شما ویروس است و سه آمپول دگزا در سرم تزریق کند، به وی گفت راه‌بندان مزاجت با خاکشیر درست نمی‌شود، اعتراف کن هرچه کردی و خودت را راحت بنما. در حالی که حکیم انتظار داشت سلطان، از برای پوشاندن خطاهای گذشته، گوش‌اش را از زیر بالش درآورد و ریست‌فکتوری کند، اعترافات شنید که هیچ گوش‌ای را باریا مقابله با آن نبود.

سلطان در حالی که چشمش در مفک افتاده بود باز گفت آنچه حالتم را صعب کرده تنگی مزاج نیست؛ بلکه کشتن آن ۴۵۰ بازرگان مغول است، گیرم اصلا کد گمرکی نداشتند، اموالشان می‌گرفتیم در موزه می‌کردیم، به چشم چنگیز و حمله مغول نمی‌آرزید.

طیبی گفت مژگانی بده که دیشب در مشاهده دیدم از شاهان پسین تو، یکی می‌آید که تنها در یک مجلس ۱۶۰۰ نفر را در میانه مسجد به آتش می‌بندد و پسینیان او در نهایت با فرستادن جاویدبادی یاد و خاطره‌اش زنده می‌کنند. رنگ رخساره سلطان محمد با شنیدن این جمله از زرد لیمویی به نارنجی کهربایی تغییر یافت.

سلطان گفت ولی آنچه بیشتر مرا مکدر کرده است، ننجیدن تا آخرین قطره خون در راه وطن است، حکیم گفت غمت نباشد مهم اینست دلت پاک باشد همه‌جا خاک خداست چه برای شما چه برای چنگیزخان، مزده دیگری دارم که پسینیان شما برای آن راهی اندیشیدند تا قبل از آنکه کار به آخرین قطره خون برسد اعلام برائت از هر جنگی با شمال و جنوب و شرق و غرب کردند و به ساخت راه آهن از شمال به جنوب اکتفا نمودند، بر فرض جنگی هم درگرفت و ۹ میلیون نفر از قحطی جان دادند ولی «پس فور آل پبیل ایز مای دریم»، خیلی هم که فشار بر مملکت آید یک نانوا در تنور می‌اندازند غائله ختم می‌شود.

متن دیگری هم دارند که مذاکره می‌کنند و نخوانده می‌دهند، سلطان محمد چون این استراتژی شنید، گفت این پسندمند آمدن قلم و کاغذی از برای مذاکره با چنگیز آمده نمود و گفت پسینیان گوی سبقت را از ما برودند برویم چیزی با چنگیز امضا کنیم که تا تاریخ تاریخ است نامان در زمره دلبران ثبت شود.

برو بعدش بکن یک خواب راحت  
نیاید نام تو در هیچ عنوان  
بابای بابی بای خداحافظ عزیزم  
بزنی یک رنگ بعد از فتح تهران  
یک سال بعد  
- الو! جانم شما؟ چی؟ مرگ؟ بعله؟  
غلط کردی که گفتی اسم من... هان؟!  
نمی‌دانم چرا لو رفت اسمت  
بهاره جان کجایی؟ «بند نسوان!»



فرزانه زینلی

## دیگه نمومه ما چرا

گزارشی از هموطنان معترض در نیویورک  
به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر ایوب‌زیسیون، در پی سفر جناب رئیس به نیویورک و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل، عده‌ای از هموطنان آریایی مقیم نیویورک مقابل هتل ایشان تجمع کردند و خواستار خواسته‌های متفاوتی بودند. در بخشی از این خواسته‌ها گفته شد که زنان ایرانی باید به رسمیت شناخته شوند و حق رای داشته باشند. اینک هموطنان مقیم نیویورک از چه کانالی اخبار را پیگیری می‌کنند که صدسالی عقب هستند، هنوز در دست بررسی است. سپس هموطنان به رفت و آمد مشکوک هیأت همراه رئیس جمهور اعتراض کردند. آنها معتقد بودند کسی که از در اصلی هتل رفت و آمد می‌کند حتماً ریگی به کفشش دارد و گرینه اینهمه شفافیت چه معنی دارد؟

در حاشیه نشست سازمان ملل متحد، سفیر محترم دوست و همسایه (طبیعتاً دوست و همسایه خبرگزاری) با در دست داشتن عکس یک خانم جوان موسوم به م.امینی سعی در احقاق حق زنان ستم‌دیده ایران داشت که متأسفانه با برخورد کادر امنیتی روبه‌رو شد. به گفته یک منبع موق، کادر امنیتی هم از خودشان بود. کاربران فضای مجازی در واکنش به این اقدام، تعداد زیادی عکس رو کردند و خواستار احقاق حق همه آنها شدند. اینکه چه حقی باید محقق شود در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. یک کاربر در پاسخ به سوال خبرنگار گفت: «بگم؟! بگم?!»

هموطنان همچنین در پاسخ به این گفته رئیس‌جمهور که «آمار زندان مادران در آمریکا هر روز رو به افزایش است» اظهار بی‌توجهی و تمایل به کوچکی علی‌چپ کردند. به جای آن روی شعارهای خود تمرکز کردند و ضمن اشاره به الواح عتیقه هخامنشی، یکصد فریاد زدند: «این چی‌چی بود آوردین؟! گندشو درآوردین!» آنها معتقد بودند این الواح به کلی تقلبی بوده و افزودند: «اگه راست می‌گین روی لوح رو بخونین.» چرا که هموطنان معتقدند نوشته روی الواح به زبان لاتین غلیظ بوده و هیچ ربطی به زبان دوره هخامنشی ندارد. البته آنها نظر کارشناسان هیأت را هم بی‌اعتبار خوانده و دسته‌جمعی «هو» کردند.



ابراهیم صفایی

## یک سال بعد

پارسال  
بدو دورهمی داریم کردان  
بزنی بمب و برو توی خیابان  
بگو: «از انزجار و خشم مردم  
حکومت شل شده چون بند تیان»  
خبرسازی کن از آینده دور  
ندارد فرق چندان مصر و یونان  
به هر استان «سی و یک» بار تف کن  
بغل‌تان توی خون پنجاه استان  
بزنی روی اکانتت «واقعی»، «فکت»  
به نام نازی و شیدا و مرجان  
کمک کن غائله رونق بگیرد  
شوی تنها زن کابینه خان!



احمد رفیعی وردنجانی

## تصادف

بیشتر از کل این عالم تصادف می‌کنیم  
ما نه هرساعت که در هردم تصادف می‌کنیم  
در جهان شاخص شد آمار تصادف‌های مان  
هست تا در خاک‌مان آدم تصادف می‌کنیم  
در مسیر یاری غم‌دیدگان شهر بم  
قدر کل کشته‌های بم تصادف می‌کنیم

بس که عادی شد تصادف کردن ما، می‌شود باعث حیرت که گاهی کم تصادف می‌کنیم  
گاه‌گاهی هم که بی‌ماشین به جایی می‌رویم  
شانه‌به‌شانه شده با هم تصادف می‌کنیم

در تصادف می‌رود از دست یاری مهربان  
در مسیر قبر او از غم تصادف می‌کنیم  
باوجود اینکه محکم نیست ماشین‌های مان  
ما بی‌روکم کنی محکم تصادف می‌کنیم

گاه در گوش‌ست سرها موقع رانندگی  
با سری در بحر گوش‌ی خم تصادف می‌کنیم  
گاه‌گاهی جاده لیز و گاه‌گاهی چشم هیز  
سخت با نامحرم و محرم تصادف می‌کنیم

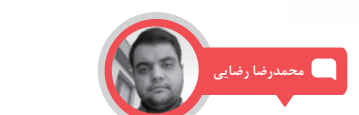
در خیابان چشم‌مان دنبال اعظم می‌دود  
عاقبت ما با خود اعظم تصادف می‌کنیم  
راهرو تا می‌دهد جایی به ما فرمان ایست  
دست‌پاچه با خود او هم تصادف می‌کنیم

سخت می‌نالم تا باران بیاید بعد از آن  
تا که می‌آید دو تا شبنم تصادف می‌کنیم  
تا خبر از مردن ما پخش گردد زودتر  
از غرض نزدیک جام‌جم تصادف می‌کنیم

بیش از ده بار در این وقت کوتاهی که من  
چند بیتی شعر می‌خوانم تصادف می‌کنیم



سجاد گل‌پور محسنی



محمد رضا رضایی

## من اشتباهی بودم آقای قاضی

بعد از هک اکانت ادمین تلگرام اینترنشنال و افشای هویت افرادی که از ایران برای این شبکه فیلم و خبر می‌فرستادند، سراغ افراد افشاشده رفتیم تا از حس و حال این روزهایشان بپرسیم.  
**خبرنگار:** حالا که افشا شدید و هر لحظه ممکنه جهت پارهای توضیحات به دادسرا احضار بشید، چه حسی دارید؟  
**رها (یک دانشجوی آرمان‌خواه):** آقا به خدا (گریه می‌کند)... آقا ما گول خوردیم (همچنان گریه می‌کند)... وگرنه ما تو دبیرستان هرسال دهه فجر خردمون شخصاً شرشه‌ها رو تو راهرو و نمازخونه مدرسه می‌چسبوندیم (بسیار جاناتگاز گریه می‌کند)... آقا ما رو گول موند زدن به قرآن!

**خبرنگار:** حالا کی گول تون زد؟  
**رها:** شیطان آقا... شیطان، شیطان گولم زد، برید شیطان رو دستگیر کنید (تربکبی از گریه، جیغ ملایم و هق‌هق کودکانه شنیده می‌شود).

**خبرنگار:** شما قبل از این که بیان سراغ تون، حرفی نداشتید؟  
**بردیا (یک ورزشکار مصون):** من فقط می‌خوام بگم که سراغ من نیاید؛ چون مصونیت دارم، خودتون ضایع می‌شید.  
**خبرنگار:** مصونیت دیپلماتیک؟

**بردیا:** نخیر، از اون هم بالاتر؛ مصونیت ورزشاتیک!  
**خبرنگار:** متوجه نمی‌شم، یکم بیشتر توضیح بدید.  
**بردیا:** من ورزشکارم دایی جان. ادمین کانال اینترنشنال هم گفت که جای ورزشکار زندان نیست و ماها مصونیت قضایی داریم. اصلا برای همین اون عکس‌ها رو براش فرستادم.

**خبرنگار:** موفق باشید. شما بگو وقتی میان ملاقات برات کمپوت و میوه زیاد بیارن که تو زندان هیکت افت کنه.  
**خبرنگار:** شما به نظر میرسه نتونید دادگاه و زندان رو تحمل کنید؛ شما دیگه چرا؟  
**خشایار (یک هنرمند لطیف):** در اصل من مقصر این قضیه نیستم؛ من یک هنرمندم و روح خیلی لطیفی دارم. جامعه مقصره **خبرنگار:** دقیقاً چطور مقصره؟  
**خشایار:** اگه به هنر من بیشتر توجه می‌شد، من هیچ‌وقت سراغ جلب توجه این شکلی نمی‌رفتم.

**خبرنگار:** خوب هنر تون چی هست دقیقاً؟  
**خشایار:** من به عکاس خیابون‌ام. اصلا اون فیلم‌هایی هم که می‌گرفتم، وسط همون عکاسی‌هام خود به خود ضبط می‌شد. منم می‌فرستادم اینترنشنال که هنرم دیده بشه. لطفاً من رو قضاوت نکنید.  
**خبرنگار:** شما با این هیکت معلومه روی مواضع کاملاً پافشاری می‌کنی و از زندان و اینا نمی‌ترسی. درست؟  
**سامان (یک گولاخ نترس):** داداش بیا این پنج‌تا سبد رو فعلاً تحویل برادرهای خدوم پلیس بده، تا من بقیه‌شم آماده کنم و بفرستم خدمتون.

**خبرنگار:** اینا چه؟  
**سامان:** اینا اعترافات خودم و بچه‌محل‌هاست. مثل سنگ زدمشون که به همه غلط‌های زندگی‌شون اعتراف کردن. اعترافات خودم تا دوران هجده سالگی تحویل دادم، فقط بین می‌تونم به وقتی بگیری من از هجده تا بیست و یک سالگی هم رو هم طی چهار فصل بنویسم و تقدیم کنم؟  
**خبرنگار:** حالا عجله نکن، شاید با یک تعهدنامه بی‌خیالت بشن.  
**سامان:** نه این حرف‌ها چه؟ آدمیزاد که از آینده‌اش خبر نداره. اگه من دوباره پام لغزید و خطا کردم چی؟ بزار هرغلطی کردم بنویسم که هم تو مجازاتم تخفیف قائل بشن، هم خودم دیگه جرأت هیچ غلطی نداشته باشم.

**خبرنگار:** حالا چرا تحویل من می‌دی؟  
**سامان:** دیگه شما زحمتش رو بکنش، برادرها این همه راه رو نیان. بقیه‌شم من خدوم میارم. فقط شما که خبرداری، تو زندان اگه بقیه رو بفروشم، بهم مرخصی می‌دن؟ هر نفری رو که بفروشم، چند روز میدن؟ عه! داداش نرو... هنوز درمورد حسن رفتار تو زندان کلی سؤال دارم...

## سرخی فوری انقلابی دیده شده هفته

سخنرانی آقای رئیس‌ی پربازدیدترین سخنرانی در صفحه یوتیوب سازمان ملل شد. شوهر عمه‌ها معتقدند سازمان ملل هم فتوشاپه.

## دایه مهربان هفته

ساتور آمریکایی که توی اغتشاشات زراً پیراهنش رو چاک داده بود برای حمایت از اغتشاشگران ولی از اون طرف رفته از هموطن‌هاش رشوه و پول زور گرفته. نکشی ما را با این همه روراستی انکل جان!

## نجایی هموطن هفته

در حالی که ۲۰ انفجار در تهران خنثی‌سازی شد و در همین راستا ۲۸ نفر هم دستگیر شدند؛ یک عده دارند زیر پتو تزیر باد مستقیم کولر علیه نظام توتیت می‌زنند، نجایی هموطن!

## گوشی راحت بخواب هفته

بازگشت لوح‌های دوره هخامنشی بعد از ۹۰ سال به ایران. گفتنی است کورش تا قبل از این ماجرا فقط با قرص خواب می‌تونست بخوابه.

## چه غلطی کردیم هفته

در پی شدن اکانت ادمین تلگرام شبکه اینترنشنال، هویت کسانی که با وی در ارتباط بودند لو رفت. در ادامه لو رفتگان اعلام کردند ما فقط اومده بودیم یک موز برداریم و رد بشیم.

## دستاورده هفته

در حالی که که براندازا توی اون موندن که با اتو زدن به برق یا سیفون کشیدن پشت هم رژیم چنج کنند، نیروی دریایی سیاه پهبادی ساخته که روی آب پرواز می‌کنه و روی آب می‌شینه.